



## وقتی ناشر و نویسنده هماهنگ نیستند!

■ سید سعید هاشمی

درباره کتاب «بفرمایید داخل، دم در بد است!»  
نویسنده: حمیده سادات لطیفی  
ناشر: سوره مهر

فخیم و وزین استفاده کرده و هر کس نگاه کوچکی به کتاب او بیندازد، می‌فهمد که نویسنده کتاب، شخصیتی عالم و اهل قلم است. دیگر این که حرف‌هایی که در کتاب زده، دقیقاً به درد مخاطب عامی قرن هفتم می‌خورد که به احتمال زیاد سواد نداشت و فضاهای مجازی امروزی را نمی‌شناخت و روزش را در لابه‌لای گام اسبان سربازان شب می‌کرد و احتمالاً به کتاب هم دسترسی نداشت، چرا که مغولان، کتاب‌های آن دوره را لقمه آتش کرده بودند. اما کتاب «بفرمایید داخل...» با وجود خوش قلم بودن نویسنده، نتوانسته راه خواجه را ادامه دهد. آشفته‌گی و بدسلیقگی در جای جای کتاب دیده می‌شود. ضمن این‌که با اولین نگاه به متن کتاب مشخص می‌شود که نویسنده، مخاطب نوجوان را به خوبی نمی‌شناسد. کتاب درباره آداب معاشرت است. موضوعی که به شدت مورد نیاز نوجوانان ماست و در دین ما هم سفارش فراوانی در این باره شده است. این‌که در اجتماع چگونه باشیم و

کتاب «بفرمایید داخل، دم در بد است»، یک مجموعه طنز برای نوجوانان است که به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. سوره مهر در چندماه اخیر، مجموعه‌ای از طنزهای خاصی را برای نوجوانان منتشر کرده است تحت عنوان «مجموعه طنز نوجوان» که بیونیرم و ظاهر یکنواخت دارند.

موضوع کتاب درباره آداب معاشرت است که نویسنده جوان کتاب مثل خواجه نصیر طوسی در کتاب «اخلاق ناصری» کوشیده تا اصول اولیه زندگی و برخورد با شهروندان را به مخاطب بیاموزد.

پیش از این نویسنده جوان، شخصی به نام خواجه نصیر طوسی در قرن هفتم و در کشاکش تاخت و تاز مغولان در خاک ایران، کتاب ارزشمندی نوشت به نام «اخلاق ناصری». این کتاب درباره اصول اولیه زندگی بود که خواجه نصیر به مخاطب قرن هفتمی می‌آموخت. کتاب خواجه نصیر، دو ویژگی بزرگ دارد. یکی این‌که از نثری

چگونه با کوچک و بزرگ برخورد کنیم و کجا برویم و کجا نرویم، از مسائلی است که معصومان ما احادیث فراوانی در این باره دارند.

در کتاب‌های درسی و مجله‌های مخصوص نوجوانان نیز صحبت‌های بسیاری در این باره شده است و امروزه فضاهای مجازی و تلویزیون هم حرف‌های زیادی درباره این موضوع

دارند. پس وقتی می‌خواهیم در باره آداب معاشرت حرفی بزنیم باید همه این عوامل را در نظر بگیریم و بدانیم که بچه‌های این دوره زمانه، با مردم قرن هفت تفاوت کامل دارند و خیلی از حرف‌ها را شنیده یا خوانده‌اند. تکرار مکررات از زیبایی کار می‌کاهد؛ حرف‌های ساده‌ای مثل «در هنگام انجام بازی‌های راه مدرسه، مراقب افرادی که هم‌کلاسی‌تان نیستند تا از بازی شما لذت ببرند، باشید. هنگام اقدام به آب‌پاشی به روی دوستان مطمئن شوید که تا شعاع یک‌متری او جنبنده دیگری وجود ندارد که از خیس شدن دچار هیجان شود» (ص ۲۶).

امروزه دیگر همه بچه‌ها می‌دانند که اولاً آب‌بازی و آب‌پاشی در راه مدرسه، کار پسندیده‌ای نیست و ثانیاً در صورت انجام دادن این کار باید مراقب اطراف و اطرافیان هم بود. این‌که می‌گوییم نویسنده، مخاطب نوجوان را نمی‌شناسد،

دقیقاً برمی‌گردد به همین نکته‌ها که گفتن بعضی از آنها لزومی ندارد.

البته نویسنده حرف‌های جالبی هم زده که نیاز نوجوان امروز است. مثلاً «در هنگام ورود ابتدا باید سلام کنید و ترجیحاً از الفاظ دیگری چون hello, hi و حتی درود بپرهیزید» (ص ۱۲). البته آشنا نبودن نویسنده با مخاطب

## وقتی می‌خواهیم در باره آداب معاشرت حرفی بزنیم باید همه این عوامل را در نظر بگیریم و بدانیم که بچه‌های این دوره زمانه، با مردم قرن هفت تفاوت کامل دارند

نوجوان به همین جا ختم نمی‌شود و در نثر هم نوجوان را در نظر نگرفته است. او در مقدمه کتاب آورده است: «ما در این کتاب به تشریح رفتارهایی پرداخته‌ایم که موجب محبوبیت افراد می‌شود و همچنین طریقه جا گرفتن در چارچوب‌های مربوط به اجتماع را بیان کرده‌ایم. شما با جامعه عمل پوشاندن به توصیه‌های این

کتاب می‌توانید در جامعه برای خودتان سری بلند کنید». دقت می‌کنید که این نثر، نثری نیست که یک نوجوان سیزده، چهارده یا پانزده ساله را دنبال خود بکشد. این نثر، بیشتر نثر کتاب‌های درسی دوره متوسطه دوم است. اما مسئله این جاست که این کتاب برای این گروه سنی نوشته نشده است؛ بلکه برای نوجوانان سنین پایین‌تر نوشته شده است؛ چه، نوجوان متوسطه دوم یا به قول هم سن و سال‌های ما نوجوانان دبیرستانی دیگری دانند که در کوجه هنگام بازگشت از مدرسه نباید آب‌بازی کنند یا آب را بر سر روی دیگران بپاشند.

نویسنده در صفحه ۲۸ گفته: «پله‌های برقی پله‌هایی هستند که برای رفاه حال من و شما در اماکن مختلف تعبیه شده‌اند. هنگام استفاده از پله‌های برقی باید مراقبت لازم را از این وسیله به عمل بیاورید. روی پله برقی بپرید،

نکنید، در جهت عکس حرکت حرکت نکنید و اساساً روی آن راه نروید...». می‌بینید که نثر، یک نثر سنگین بزرگ‌سال یا حداقل ویژه کتاب‌های درسی است و به هیچ وجه مناسب یک کتاب ادبی طنز نیست. برخلاف هدفی که در این جمله به کار رفته و به شدت کودکانه جلوه می‌کند و

## امروزه دیگر همه بچه‌ها می‌دانند که اولاً آب‌بازی و آب‌پاشی در راه مدرسه، کار پسندیده‌ای نیست و ثانیاً در صورت انجام دادن این کار باید مراقب اطراف و اطرافیان هم بود.

مناسب بچه‌های کلاس چهارم یا پنجم دبستان است.

با همه سنگین بودن نثر در بعضی قسمت‌ها، گاهی به جملات نامفهوم هم برمی‌خوریم:

«توجه داشته باشید که دیگران هم به اندازه شما میل به بروز نقطه نظرات خود دارند و حتی اگر به ازای هر جمله شما ناچار سر تأیید تکان می‌دهند،

دلیل نمی‌شود که لزوماً از این‌که شما یگه و تنها سوار بر خودروی سخنوری شده‌اید، لذت می‌برند (ص ۱۵).

همه اینها را بگذارید کنار این که احتمالاً کتاب با عجله چاپ شده و نظارت دقیقی روی حروفچینی آن نبوده؛ چرا که هم اغلاط چاپی فراوان دارد و هم ظاهراً هیچ نوع ویرایشی روی آن نشده است. نویسنده در صفحه ۳۷ گفته:

در نتیجه فقط او را به سوی ابدیت ره‌نمون کرده‌اید. که فعل «کرده‌اید»، در این‌جا جایگاه ندارد و باید فعل این جمله را از مصدر «شدن» می‌آورد. با این‌که روی کتاب کلمه «طنز» را می‌بینیم و با این‌که

این کتاب در یک مجموعه طنز سفارش داده شده و به چاپ رسیده، اما ما طنز چندانی در آن نمی‌بینیم. در بعضی از صفحه‌ها، کلام بسیار جدی و توصیه‌ای است و هیچ نشانی از طنز در آن دیده نمی‌شود. با تمام این احوال، نمی‌شود نشانه‌های مثبت فراوانی را که در این کتاب هست نادیده بگیریم. آشنایی

نویسنده با طنز امروز، می‌تواند نویددهنده یک نویسنده جدید و فعال در این عرصه باشد. طنزهای کوتاه و گویا در این مجموعه، نشان می‌دهد که نویسنده با وجود جوان بودن، قلق مخاطب را در دست دارد. همین که اطلاع کلام نکرده و به اصل موضوع قانع شده، خودش گامی به جلوست. ذوق لطیف و دلنشین نویسنده نشان می‌دهد که از محدود بانوان عرصه طنز است و آینده‌ای درخشان دارد؛ حتی اگر ناشر کتابش، بی‌سلیسگی کند و کتاب را با گرافیکی شلوغ و آشفته و بدون نقاشی و کاریکاتور به چاپ برساند.

